خانه ی ادریسی ها، خانه ای بزرگ و قدیمی است خانه ای در شهر عشق آباد. کرختی و خمودگی و زندگی در گذشته از مشخصات اصلی ساکنان خانه ی ادریسی هاست. شخصیت هایی که از جهان حقیقی بریده و در جهان خیالی خو و با معشوقه های خیالیشان به سر می برند. زمانی که زندگی و جامعه و حکومت به سمت کهنگی می رود چیزی نو می آید تا جایگزین آن شود. در اینجا نهضتی نو بر حکومت کهنه ی پیشین پیروز شده و با پرچم عدالت به شهر عشق آباد می آید تا داد ستمدیدگان را بستاند.داستان رمان دربارهٔ شهری است به نام عشق آباد و گروهی به قدرت رسیده که وارد شهر شده اند تا حق ستم دیدگان را از ثروتمندان بگیرند و آنها را از خانه هاشان بیرون کنند، و به دیگر بیان آنان را به سزای کارهای ناشایستشان برسانند. همه ماجرا در خانه بزرگ و کهنه ای می گذرد. ادریسی ها ساکنان نخستین خانه هستند: مادربزرگ یا خانم ادریسی ها یا زلیخا، لقا ، وهاب (نوه پسری خانم ادریسی ها که درسش را در خارج از کشور گذرانده است و پس از سفر در جستجوی رحیلا بازگشته است). هر سه خود را در خانه و خاطرات خیلی دورشان زندانی کرده اند. هرگز خانه را ترک نکرده اند و به گفته وهاب آنچه سبب شده هرگز خانه را ترک نکنند و به جمع دیگران نروند، «خو گرفتن، ناچاری و تن آسایی بوده است». و یاور باغبان و مستخدم پیر خانه. گروهی از آنان به خانه ی ادریسی ها می آیند و با تصاحب خانه اتاق ها را میان مردم تقسیم می کنند. از تقابل این دو به عنوان نمایندگان کهنه و نو اتفاقات و رویداد های شگفت پدید می آید. نثری شاعرانه و دلپذیر دارد اما داستان در چارچوبی منطقی به پیش می رود. خانه ی ادریسی ها نوشته ی غزاله علیزاده را می توان یکی از جدیترین رمان های پس از انقلاب دانست.